

## تقدیر رئیس‌جمهوری از زحمات وزیر سابق تعاون، کار و رفاه اجتماعی

رئیس‌جمهور در پیامی از زحمات و خدمات علی ربیعی، در دوران تصدی مسئولیت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قدردانی کرد. حسن روحانی در پیام خود نوشته است: «بدین وسیله از زحمات و خدمات جناب عالی در مدت تصدی مسئولیت «وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی» تشکر و قدردانی می‌کنم.» وی در این پیام تأکید کرده دولت در ادامه راه خود به تجربیات وزیر پیشین تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیازمند است. او در این رابطه خطاب به ربیعی نوشته است: «تداوم بهره‌مندی از خدمات و تجربیات ارزشمند شما در دولت تدبیر و امید مورد انتظار است.»

یکشنبه ● ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ ● شماره صد و شصت‌وچهار

ا ت ی ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

بررسی حد آستانه وابستگی تولید ناخالص داخلی و رفاه اجتماعی به درآمدهای نفتی

# نفت، چوب جادوی رفاه نیست!



ارزش اما وضعیت کمی متفاوت است و گفته می‌شود احیای سهم ایران از بازار جهانی نفت چیزی حدود ۲۷۳ میلیارد دلار درآمد نصیب دولت کرده است. از نظر حجم و اندازه دولت نیز شواهد زیادی وجود دارد که وابستگی اقتصاد ایران به نفت را اثبات می‌کند. معیاری که معمولاً برای سنجش اندازه‌دولت در اقتصادها استفاده می‌شودنسبت هزینه‌های عمومی دولت‌به تولید ناخالص داخلی است. براساس آخرین گزارش صندوق بین المللی، نسبت مخارج عمومی دولت به تولید ناخالص داخلی سالانه ایران که رقم آن حدود ۴۳۰ میلیارد دلار است، با ۱۷درصد، یکی از کمترین نسبت‌ها در دنیاست. با این حال اگر در این نسبت‌سنجی، سهم شرکت‌ها، بانک‌ها، موسسات انتفاعی وابسته به دولت و نهادهای عمومی غیردولتی (دولت عمومی) را لحاظ کنیم، روند تقریباً برعکس می‌شود و حضور و تسلط نسبتاً جامع ۷۴درصدی دولت بر فضای اقتصادی کشور نمایان می‌شود. به عبارت دیگر، با وجود کاهش اندازه دولت مرکزی، سهم دولت عمومی در اقتصاد ایران همچنان زیاد است و نفت هم حاکم بلامنازع درآمدهای دولت. اما پیوندش با بودجه‌سست نشده و همه‌ساله‌رکورد تازه‌ای از خود به‌جامی‌گذارد. بر رفاه اجتماعی اثری دارد و اگر این طور است این مسئله چقدر در سیاست‌گذاری ما هم‌م‌تلقی می‌شود؟

#### ● دورژیم بالا و پایین درآمد نفتی

درجه وابستگی بودجه ایران به نفت نسبتاً بالااست که در علم اقتصاد به رژیم‌های بالای درآمد نفتی شناخته می‌شوند. این مفهوم را در ادامه توضیح می‌دهیم. گفته می‌شود نسبت درآمدهای نفتی به‌تولید ناخالص داخلی، تأثیری غیرخطی بر شاخص‌های رفاه اجتماعی دارد. به این صورت که کشورهای کهنسبت درآمدهای نفتی به‌تولید ناخالص داخلی در آن‌ها از حدی متعارف پایین‌تر باشد، افزایش یا کاهش در قدرمطلق ارز حاصل از نفت، تأثیری چندان بر مولفه‌های رفاهی نظیر فقر، بیکاری، شکاف طبقاتی و... ندارد و

پرشبی

۶۶

براساس مطالعات حد‌متعارف و آستانه وابستگی تولید ناخالص داخلی به‌درآمدهای نفتی در ایران ۹/۳۵درصد است که با میزان وابستگی کنونی ۱۷ تا ۲۰درصدی بودجه‌به نفت اختلاف‌زایی دارد. به عبارت دیگر، ایران جزء رژیم‌های درآمدی بالای نفتی است و هر قدر نوسانات درآمد نفتی کشور از حد آستانه، کمتر یا بیشتر شود، رشد اقتصادی ناپایدارتر و تحلیل متغیرهای معادله رفاه اجتماعی پیچیده‌تر خواهد شد.

## آفت تحریم در باغ رفاه

می‌رسد نسبت به آن توجه چندانى نداشته‌ایم، خطراتی است که عرصه‌های رفاهی کشور را تهدید می‌کند که اگر به‌درستی شناسایی نشوند و راه‌حل‌هایی ثبت‌ساز را برای آن‌ها پیدا نکنیم، مشکلاتمان دو چندان خواهد شد. از آنجا که سهم قابل توجهی از بودجه سالانه کشور طی سال‌های متمادی به‌درآمدهای نفتی متکی است و اساساً



## کتیو ۰۳

#### یادداشت

● یونس نادمی ●

### اعتیاد نفتی

### و چشم‌انداز رفاه اجتماعی

وابستگی کشورها به درآمدهای نفتی، بر رفاه اجتماعی اثرات مختلفی بر جای می‌گذارد. اگر کشورها را به دو رژیم نفتی تقسیم کنیم، فرض اولیه این است که اگر تولید ناخالص داخلی (GDP) کشوری تاحدی معین و ابتدایی به نفت متکی باشد، دولت‌ها می‌توانند از فرصت استفاده کرده و منابع دریافتی را در حوزه رفاه اجتماعی و مواردی نظیر بهداشت، آموزش و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر سرمایه‌گذاری کنند و چه‌بسا با هزینه‌کرد اصولی عواید حاصل از فروش نفت در مسیر کاهش نابرابری‌های توزیع درآمدی گام بردارند. در اینجا بحث اصلی این است که نفت و درآمدهایی که از این طریق به خزانه کشورها واریز می‌شود، کمک شایانی به بالا بردن رفاه اجتماعی عمومی و علی‌الخصوص اقشار و گروه‌های نیازمند می‌کند. در مقابل، زمانی که درآمدهای نفتی کشوری از حد‌متعارفی بالا می‌زند دولت‌ها نیز سازوکاری مشخص برای کاهش سهم نفت در مدیریت امور کشور را تدوین نمی‌کنند، طبیعی است وابستگی اقتصادی به بار می‌آورد که از نظر علم اقتصاد و روش‌های تنظیم و تدبیر امور اقتصادی و رفاه اجتماعی تحولی مثبت نیست. در این حالت طبیعی است ابتدا حجم و اندازه حضور دولت در اقتصاد گسترده‌تر می‌شود و از آن طرف نیز بخش‌ها و ارگان‌های مولد را کم‌رنگ‌تر و ضعیف‌تر و در عوض موجبات گسترش فعالیت‌های رانت‌جویانه در اقتصاد را فراهم می‌کند. در واقع با بالا رفتن میزان تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد، دولت‌ها اولین کاری که انجام می‌دهند، استفاده از این منابع برای مدیریت امور است که به گسترش بدنه دولت می‌انجامد. با فربه‌شدن دولت، کانون‌های خلق و توزیع رانت شکل می‌گیرند و با انحراف و مانع‌تراشی‌هایی که در تخصیص بهینه درآمدها ایجاد می‌شود، نیازها و احتیاجات بخش‌های مرتبط با رفاه اجتماعی بی‌پاسخ می‌مانند. تجربه تاریخی ما نیز نشان می‌دهد

تغییر و تحولات در ساختار دولت و وابستگی شدید آن به نفت، اثراتی سوء بر شاخص رفاه اجتماعی و نابرابری‌های شدید در کشور ما داشته‌اند. برای نمونه زمانی که دولت از درآمدهای سرشار نفتی بهره‌مند می‌شود، از یک طرف مخارج خود را زیاد کرده و از طرفی نیز با کسری بودجه روبه‌رو می‌شود. کسری بودجه به افزایش تورم می‌انجامد و در نهایت نیز این شاخص موجب تقو‌ض درآمدی میان ثروتمندان و فقرا و از دست‌رفتن قدرت خرید و تعمیق شکاف طبقاتی می‌شود. هرچند طرق مختلفی برای سنجش رفاه اجتماعی به کار گرفته می‌شوند، از نظر نگارنده، استفاده از دو مولفه درآمد سرانه و نابرابری توزیع درآمد کارایی بیشتری دارد. به عبارتی اگر نابرابری توزیع درآمد در کشوری کم شود و درآمد سرانه نیز بالا رود، شاخص رفاه اجتماعی بالا می‌رود. به‌طور قطع در اندازه‌گیری شاخص رفاه اجتماعی، نفت یکی از متغیرهایی است که تأثیری آستانه‌ای دارد و به همان اندازه که سهم نفت در اقتصاد زیاد می‌شود، شاخص‌های نابرابری و درآمد سرانه نیز متاثر می‌شوند. در شرایط کنونی نیز که سایه تحریم‌ها بر سر اقتصاد ایران است، احتمالاً درآمدهای نفتی کشورمان کمتر از گذشته خواهد شد که یک جنبه اتفاق مبارکی است اما واقعیت این است که تحریم‌ها در شرایط کنونی خصلتی شوک‌گونه دارند که به یک‌باره اقتصاد معتاد به نفت ایران با آن روبه‌رو خواهد شد. بدون شک در این وضعیت اگر به درستی برنامه‌ریزی نکنیم، با قطع‌شدن مجراهای رفاه اجتماعی کشور، رفاه اجتماعی نیز به شدت متزلزل می‌شود. در آن صورت بعید نیست که دولت از میزان هزینه‌های خود در حوزه‌هایی رفاهی بکاهد، ظرفیت‌های تولید اقتصادی محدود فعلی نیز از دست می‌رود و نرخ بیکاری که وابسته به اشتغال و تولید است، افزایش می‌یابد. واقعیت این است که اگر برنامه‌ای عینی و اصولی برای رشد و تقویت اقتصاد مردمی به جای اقتصاد دولتی یا شبه‌دولتی کنونی نداشته باشیم، نمی‌توان چشم‌انداز روشنی برای آینده رفاه اجتماعی در برابر تحریم‌های نفتی آینده متصور بود.

عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه آیت‌الله بروجردی

● صورت‌بندی تابع رفاه اجتماعی

صاحب‌نظران در باره آثار سودمند یا عوارض رفاهی تغییر در درآمدهای نفتی کشورها بحث‌های بی‌پایانی دارند. برخی نظریات با رویکرد مثبت به بدهبستان‌های میان درآمدهای حاصل از نفت و رفاه اجتماعی توجه می‌کنند و برخی نیز هشدار می‌دهند که منابع نفتی و وابستگی شدید دولت به آن ممکن است به حالتی شبیه به «فرین‌شدگی» بینجامد که علاوه بر اقتصاد، برای شاخص‌های رفاه اجتماعی فاجعه‌ساز خواهد بود. چگونگی این تأثیر را تابع رفاه اجتماعی که «آمارتیا سن»، اقتصاددان بنام هندی تبار، مبدع آن بوده، توضیح می‌دهد. «سن» در نظریه خود از متغیرهای مختلفی همچون نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی، رشد جمعیت، نرخ بیکاری، و... استفاده می‌کند تا به نحوه توزیع درآمد برسد. در این شاخص رابطه میان سطح رفاه و شیوه تخصیص منابع، فرمول‌بندی شده و نشان داده می‌شود هر عاملی که به تشدید نابرابری در توزیع درآمد یا بینجامد، در جهت کاهش رفاه اجتماعی کل عمل خواهد کرد. با همه این‌ها برای تطبیق وضعیت ایران با فرمول تابع رفاه اجتماعی، به یک حد آستانه هم نیاز داریم که اثرات تغییر در درآمدهای نفتی بر رفاه اجتماعی را آشکار می‌کند. داشتن حد آستانه از این‌رو مفید است که ارزایی اثرات کاهش یا افزایش درآمدهای نفتی بر وضع رفاهی کشور را ممکن و تغییرات سیاستی را توجیه‌پذیر، الزام‌آور و ضروری می‌کند. آیا چنین حدی را می‌توان به دست آورد؟

#### ● حد وابستگی درآمدهای نفتی

براساس مطالعه‌ای که اخیراً در دانشگاه بوعلی سینای همدان انجام شده، حد متعارف و آستانه وابستگی تولید ناخالص داخلی به درآمدهای نفتی در ایران ۹/۳۵درصد باید باشد که با میزان وابستگی کنونی ۱۷ تا ۲۰درصدی بودجه به نفت که در آمارهای بانک مرکزی هم انعکاس یافته، اختلاف فاحشی دارد. به عبارت دیگر، ایران جزء رژیم‌های درآمدی بالای نفتی است و هر قدر نوسانات درآمد نفتی کشور از حد آستانه، کمتر یا بیشتر شود، رشد اقتصادی ناپایدارتر و تحلیل متغیرهای معادله رفاه اجتماعی پیچیده‌تر خواهد شد. پیش‌بینی می‌شود تکانه‌های ناشی از تحریم‌های نفتی آمریکا از یک طرف بودجه دولت را و از سوی دیگر با اثرگذاری بر مولفه‌هایی مانند نرخ بیکاری، شاخص تولید و بهره‌وری، نحوه توزیع درآمد سرانه، بار تکفل خانوار، شکاف‌ها و نابرابری‌ها و... عقب‌گرد شاخص‌های رفاهی را نتیجه‌دهد. به عبارت دیگر، تحریم‌های هسته‌ای به دلیل آثار سوء بر اشتغال و تولید، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و اختلال در نسبت و توازن در آمد و هزینه خانوار، تهدیدی جدی است که دستگاه‌های سیاست‌گذار را ملزم می‌کند در چارچوب همین مختصات، تدابیر پیشگیرانه و کنترلی را تدوین و اعمال کنند، چرا که در معادله وابستگی درآمد به نفت و سهم بالای منابع طبیعی در تدارک منابع، تنها در صورتی می‌توان از کارکرد مثبت و مداوم رفاه اجتماعی صحبت کرد که این منابع در جهت خلق ارزش افزوده‌مبتنی بر تولید به کار گرفته شوند و در عرصه اجتماعی نیز با بالا بردن بهره‌مندی عمومی از مزایای رفاهی، از شکاف‌ها در درآمد و هزینه افراد کاسته شود. در غیر این صورت و در حالتی که امکان دسترسی به مشاغل برای جمعیت جوینده کار فراهم نیست و درآمدها به مثابه مسکنی برای ورود کالاهای مصرفی در کشور کارایی دارند، نه‌تنها پنداشت‌ها غلط از آب در می‌آیند که حتی ضایعه‌ای اساسی برای رفاه اجتماعی و سکاندار آن خواهد بود.



#### ● یادداشت

● علی منتخبری ●

در ماه‌های اخیر در باره اثرات تحریم‌های آتی ایران تحلیل‌های زیادی انجام شده است که تقریباً در اکثر